

تلقیح مصنوعی از منظر فقهای اهل سنت^۱

سیدرضا احسان‌پور *

هادی عظیمی گرکانی **

مدیحه هاشم‌پور ***

چکیده

از منظر فقهای اهل سنت حکم شرعی تلقیح مصنوعی محل اختلاف است. برحسب اینکه تلقیح مصنوعی، داخل رحمی یا خارج رحمی باشد مبانی اختلاف در حرمت و جواز آن نیز متعدد خواهد بود. در رابطه با تلقیح مصنوعی داخل رحمی، غالب فقهای مخالف با تلقیح مصنوعی آن را مخالف با نصوص قرآنی و روایات وارده از رسول خدا می‌دانند و قائل به اختلاط انساب در نتیجه مبادرت به این عملیات طبی هستند. از دیگر ادله مخالفان، حرمت استمناء در مقام اخذ اسپرم و حرمت نگاه به نامحرم در مقام تلقیح است. درمقابل موافقان به ادله طرف مقابل چنین پاسخ می‌دهند که اولاً نصوص قرآنی و روایات وارده در این رابطه به هیچ وجه دلالتی بر ادعای مخالفان تلقیح مصنوعی ندارد، ثانیاً انجام این عمل طبی موجب اختلاط انساب نمی‌گردد و ثالثاً اخذ اسپرم از زوج توسط زوجه و انجام عملیات طبی توسط پزشک محرم حرمت مذکور را از بین خواهد برد. مضاف بر اینکه ضرورات تبیح المحظورات. در خصوص تلقیح اسپرم زوج متوفی به زوجه حی یا زوجین طلاق گرفته این اختلافات شدیدتر است. در مجموع فقهای اهل سنت تلقیح مصنوعی بنحو مزبور را مشروط به انجام آن در زمان عده فوت یا طلاق جایز و در غیر آن حرام می‌دانند. در رابطه با تلقیح مصنوعی خارج رحمی نیز ادله فوق مجرا است با این تفاوت که برخی از موافقان، پذیرش آن را مشروط به شروطی از جمله تضمین عدم نقض حق حیات جنین پس از تولد می‌دانند.

کلید واژه‌ها: تلقیح مصنوعی، حرمت، جواز، فقهای اهل سنت.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

* استادیار حقوق، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ehssanpour@shahed.ac.ir

** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱- مقدمه

تلقیح مصنوعی آنگونه که در مجله فقه اسلامی تعریف شده، هرگونه روش تلقیح است که فارق از برقراری رابطه جنسی طبیعی میان زن و مرد صورت می‌پذیرد (المجمع الفقه الاسلامی، ۱۹۸۶، ۲۵۱). این شیوه تلقیح صرف نظر از علت‌شناسی و شیوه‌های مختلف اجرای آن، به دو دسته تلقیح داخل رحمی (IUI) و تلقیح خارج رحمی (IVF) تقسیم‌بندی می‌شود. مراد از تلقیح داخل رحمی، بارور کردن تخمک زن از طریق اسپرم اخذ شده از مرد می‌باشد. چنانچه اسپرم مرد و تخمک زن در محیط خارج از رحم با یکدیگر تلقیح شده و سپس در داخل رحم قرار داده شوند به آن تلقیح خارج رحمی گفته می‌شود.

علمای مذاهب مختلف اسلام از جمله اهل سنت نظرات متعددی در خصوص حرمت و یا جواز چنین روشی ابراز نموده‌اند و حسب دخالت عوامل مختلفی همچون وجود یا فقدان رابطه زوجیت میان صاحب اسپرم و صاحب تخمک و یا حیات یا عدم حیات صاحب اسپرم در زمان تلقیح، فتاوی‌های مختلفی را صادر کرده‌اند. به طور خلاصه، تلقیح اسپرم و تخمک زن و مرد نامحرم به نظر قاطبه علماء اهل سنت حرام به شمار می‌آید و فرزند متولد از این طریق نیز حکم ولد الزنا را خواهد داشت (التیمی، ۱۹۸۶، ۳۵۸؛ محمودحمزه، ۱۹۷۱، ۳۷). اما در جایی که علقه زوجیت میان صاحبان اسپرم و تخمک وجود دارد، تشتت اقوال و نظرات قابل مشاهده است. این مقاله در مقام تبیین ادله موافقان و مخالفان حرمت چنین عملی، تنها بر قسمت اخیر توجه خواهد داشت و مطلب را از دو حیث تلقیح داخل رحمی و تلقیح خارج رحمی پی خواهد گرفت.

۲- تلقیح مصنوعی داخل رحمی

در خصوص حکم جواز یا حرمت تلقیح اسپرم مرد با تخمک زوجه مشروعه وی، سه حالت را می‌توان در نظر گرفت. نخست جایی که مرد و زن در زمان انجام عملیات تلقیح مصنوعی در زوجیت شرعی یکدیگر می‌باشند. دوم جایی که اسپرم اخذ شده از مرد در زمان حیات وی بوده و در زمان انجام عملیات تلقیح مصنوعی، صاحب اسپرم مرده باشد و سوم جایی که انجام عملیات تلقیح مصنوعی در زمان عده طلاق زن صورت گیرد. هر یک از صور فوق می‌تواند احکام متفاوتی را به همراه داشته باشد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۲-۱- تلقیح مصنوعی اسپرم شوهر زنده و تخمک زن در زمان زوجیت

علمای اهل سنت در خصوص حکم شرعی تلقیح مصنوعی اسپرم شوهر زنده و تخمک زن که در زمان انجام این عملیات در علقه زوجیت یکدیگر به سر می‌برند قائل به دو نظر مختلف می‌باشند: حرمت و جواز.

۲-۱-۱- حرمت

برخی از علماء اهل سنت همچون شیخ رجب بیوض التمیمی، شیخ محمد شریف احمد، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، شیخ ابوبکر ابوزید، شیخ محمد ابراهیم شقره، شیخ عبدالله بن زید آل محمود، شیخ احمد بن حمد الخلیلی، شیخ آدم عبدالله علی، شیخ نجانی صابون محمد، شیخ ابراهیم بشیر الغویل، شیخ سیدی محمد یوسف جیری، شیخ هارون خلیفه، شیخ علی العقیمی، شیخ عبده عمرو و شیخ عبداللطیف الفرفوز، تلقیح مصنوعی به نحو مذکور را مخالف نص قرآن، سنت رسول خدا و سایر ادله شرعیه می‌دانند (المجمع الفقه الاسلامی، ۱۴۰۷، ۳۷۴).

۲-۱-۱-۱- قرآن

علمای مذکور نصوص قرآنی ذیل را مانع جواز تلقیح مصنوعی می‌پندارند.

الف. آیه ۲۲۳ سوره بقره: «نساء کم حرث لکم فأتوا حرثکم انّی شئتم»

وجه دلالت آیه مذکور بر نظر این گروه بدین نحو است که خداوند در این آیه از مراد جنسی تنها زن و شوهر سخن گفته و استماع از زنان را بر مردان حلال دانسته است و حال آنکه در عملیات تلقیح مصنوعی علاوه بر زن و شوهر، فرد ثالثی بنام پزشک یا پرستار حضور دارد که اقدام به اخذ اسپرم و استقرار آن در رحم زن می‌نماید و دخالت چنین فردی در چرخه استیلاد طبیعی، مخالف با نص شریف قرآن می‌باشد (التمیمی، ۱۹۸۶، ۳۵۸).

وجه دلالت دیگر آن است که خداوند زنان را کشتزار مردان معرفی نموده و کشتزار نیز محل قرار گرفتن بذراست و حال آنکه در تلقیح مصنوعی، بخشی از مقدمات تلقیح در خارج از رحم زن صورت می‌پذیرد (محمود حمزه، ۱۹۷۱، ۳۷).

ب. آیات ۵ تا ۷ سوره طلاق: «فلینظر الانسان مم خلق* خلق من ماء دافق* یخرج من بین الصلب و الترائب»

مخالفان جواز تلقیح مصنوعی براین باورند که خداوند از اسپرم مرد تحت عنوان «ماء دافق» یعنی آب جهنده یاد نموده است در حالی که در تلقیح مصنوعی آنچه که در رحم زن تزریق می‌شود، جهنده نیست و این مخالف با نص قرآن می‌باشد (محمد الشریف، ۱۹۸۶، ۳۶۶).

ج. آیه ۱۸۷ سوره بقره: «...فالتن باشروهن و ابتغوا ماکتب الله لکم»

وجه دلالت در این آیه بر معنای کلمه «باشروهن» استوار است. این فعل که از صیغه مباشرت است در معنای برقراری رابطه مستقیم بکار می‌رود. به دیگر سخن خداوند مباشرت (یعنی رابطه جنسی بدون واسطه) را رخصت فرموده و عدول از رخصت به شیوه منصوص در تلقیح مصنوعی موجب حرمت خواهد بود (الصابونی، ۱۹۹۲، ۱۲۲).

د. آیه ۱۸۹ سوره اعراف: «هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن فلما تعشها حملت حملا خفیفا»

مخالفان تلقیح مصنوعی با استناد به آیه فوق معتقدند از آنجا که در عملیات تلقیح مصنوعی معنای واقعی «لیسکن الیها» محقق نشده و حتی معنای «فلما تعشها» نیز متبادر به ذهن نخواهد بود، از اینرو چنین عملیاتی بدلیل مخالفت با نص قرآن، حرام می‌باشد.

۲-۱-۱-۲- سنت رسول خدا

در کتاب شهادات، حدیثی از بخاری نقل شده که ایشان در مقام پاسخ به این سوال که چه زمانی زن مطلقه به شوهر خود حلال می‌شود فرمودند «حتی یدوق عسیلتها و تذوق عسیلته». وجه دلالت بر این حدیث نیز آن است که رسول خدا کیفیت نزدیکی را به طریق مشخص شده بیان فرموده و عدول از کیفیت مذکور در این حدیث جائز نمی‌باشد.

۲-۱-۱-۳- سایر توجیهات

به غیر از نصوص قرآنی و سنت نبوی مذکور، علمای قائل به نظریه حرمت تلقیح مصنوعی، توجیهات ذیل را نیز در تأیید نظرات خود اقامه می‌نمایند.

الف. حرمت استمناء

پوشیده نیست که مقدمه لازم در تلقیح مصنوعی اخذ اسپرم از مرد است که این امر غالباً از طریق استمناء و خودارضایی مرد صورت می‌گیرد و در محل خود مقرر است که استمناء به شیوه مذکور حرام به شمار می‌آید.

ب. حرمت مداوای بیمار با وسیله حرام یا نجس

به زعم این گروه، از آنجا که در تلقیح مصنوعی، نخست اسپرم مرد اخذ شده و در محفظه‌های خاصی با ترکیباتی دیگر مخلوط و جهت تزریق آماده می‌گردد، عمده ترکیبات اضافه شده به اسپرم مرد، از حیث ماهیت نجس بوده و استفاده از نجاسات به منظور درمان حرام می‌باشد (مجمع الفقه الاسلامی، ۱۹۸۶، ۳۲۷).

ج. حرمت کشف عورت

به زعم مخالفان تلقیح مصنوعی از آنجا که تزریق اسپرم مرد به رحم زن مستلزم کشف عورت زن مسلمان در مقابل اجنبی است از این رو عملیات مزبور جائز به شمار نخواهد آمد (احمد الخلیلی، ۱۹۸۶، ۳۷۱).

۲-۱-۱-۴- قاعده «سد ضرائع» و قاعده «اولویت دفع مفاسد بر جلب منافع»

اگر چه ممکن است تلقیح مصنوعی حائز فوایدی از جمله فرزنددار شدن زوجین نابارور شود اما از آنجا که در انجام این عملیات امکان اختلاط انساب دور از ذهن نیست و این امکان وجود دارد که بواسطه بروز خطا، اسپرم شخصی دیگر به زن اجنبی تلقیح گردد و از سویی نیز اسلام بر حفظ نسب تأکید بسیاری نموده است، از اینرو با تحریم این امر می‌توان درب را بر چنین احتمالات دهشتناکی بطور کلی بسته و مانع از اختلاط میاه و ایجاد شبهه در انساب شد (عبود هرموش، ۱۹۹۴، ۴۸۶؛ الزحیلی، ۱۹۹۰، ۱۰۲).

۲-۱-۲- جواز

استدلال‌ها و توجیهات علمای قائل به جواز تلقیح مصنوعی داخل رحمی را می‌توان در دو دسته

مطالعه نمود. نخست توجیهاتی که در پاسخ به ادله قائلین به حرمت این عمل ارائه شده و سپس ادله موید جواز تلقیح مصنوعی.

۲-۱-۲-۱- پاسخ به مخالفان

الف. استدلال به قرآن و روایت

مخالفان عملیات تلقیح مصنوعی در استدلال‌های خود به چند آیه از قرآن و حدیث نبوی اشاره کرده‌اند که به زعم موافقان تلقیح مصنوعی هیچ کدام توجیه مناسب و استدلال قابل اعتناء به شمار نمی‌آیند. در پاسخ استدلال به آیه ۲۲۳ سوره بقره: «نساءکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم» گفته شده که اولاً آیه در مقام حلیت تمتع مردان از زنان و جماع است و نه مسأله باروری و فرزندآوری و حال آنکه تلقیح مصنوعی مسأله‌ای متفاوت از صرف جماع و تلذذ جنسی است و ناباروری همچون سایر امراض نیازمند مداخله جهت درمان است. حضور فرد ثالث به توجیه منطقی و به هدف تداوی است و نه دخالت در امر جماع و تلذذات جنسی زوجین از یکدیگر و در ثانی، آیه مذکور در مقام کیفیت تلقیح نیست بلکه در مقام کیفیت اتیان زوجه می‌باشد.

در پاسخ به استدلال به آیات ۵ تا ۷ سوره طارق که خداوند اسپرم مرد را مایع جهنده نامیده است نیز گفته شده که در تلقیح مصنوعی و در مقام اخذ اسپرم از مرد نیز، منی مرد به حالت جهنده از وی خارج می‌شود از اینرو تنافی با نص شریفه ندارد. به علاوه آنکه اشاره خداوند به جهنده بودن منی انسان از باب غلبه است و نه وجوب و الا در باروری‌های ناخواسته‌ای که فرد علیرغم عزل موجب بارور نمودن همسر خود می‌شود چگونه می‌توان از جهنده بودن اسپرم منتهی به تولد سخن گفت (محمود حمزه، ۲۰۰۷، ۳۱).

در پاسخ استدلال به آیه‌ی ۱۸۷ سوره بقره: «...فألن بشروهن...» گفته شده که مباشرت مزبور، طبیعی‌ترین راه برای جماع زوجین است لکن اولاً محدود به آن نیست و ثانیاً رخصت مزبور در قرآن از موجبات تلذذ جنسی است و نه مقدمات باروری (الصابونی، ۱۹۹۲، ۱۲۲).

در پاسخ به استدلال به آیه‌ی ۱۸۹ سوره اعراف: «... لیسکن الیها فما تغشها...» نیز گفته شده که مراد از تغشیه جماع منتهی به حمل است که این امر از طریق تلقیح مصنوعی نیز امکان پذیر می‌باشد و دیگر آنکه عملیات تلقیح به هیچ وجه موجب برهم زدن آرامش زن و شوهر نمی‌گردد که از مفهوم «لیسکن الیها» خارج شود.

در پاسخ استدلال به روایت نقل شده از رسول خدا نیز گفته شده که مورد حدیث (رجوع در زمان عده) چنانچه گذشت منصرف از موضوع بحث ما است و اشاره به لذت ناشی از تماس بین زوجین به هیچ وجه ارتباطی به بحث تلقیح مصنوعی که هدف آن بارور نمودن زوجه است ندارد (محمود حمزه، ۲۰۰۷، ۳۱).

ب. استدلال به قاعده سد ذرائع

موافقان تلقیح مصنوعی بر این باورند که استناد به قاعده سد ذرائع در مانحن فیه اصولاً صحیح نمی‌باشد چه آنکه ذریعه منهی شارع که دعو منع آن وجود دارد تنها شامل آندسته از مواردی است که قطعاً موجبات ارتکاب حرام را ایجاد می‌نمایند و در سایر موارد چنین منعی را نمی‌توان انتظار داشت. در انجام عملیات تلقیح مصنوعی که دائر مدار تنها زن و شوهر است، احتمال اختلاط میاه در آن متصور نیست (همان).

ج. سایر استدلال‌ها

استدلال به حرمت تلقیح مصنوعی بدلیل حرمت استمناء صحیح نیست چه آنکه صرف‌نظر از بحث نقش ضرورت در تداوی بوسیله حرام، این امکان وجود دارد که استمناء شوهر به‌دست همسر وی صورت پذیرد که در این حالت حرمت استمناء به قطع رفع خواهد شد (قرارات المجمع الفقهی الاسلامی، ۱۹۸۶، ۳۲۷).

در پاسخ به این مسأله که تلقیح مصنوعی با استفاده از ترکیبات نجس حرام صورت می‌پذیرد نیز گفته شده که اولاً درستی این سخن مورد تردید است و ثانیاً بر فرض صحت از آنجا تلقیح مصنوعی در مقام مداوای زوجین به کار گرفته می‌شود، حرمت تداوی به محرّمات و نجاسات در مواقع ضرورت به جواز تغییر می‌یابد.

استدلال به حرمت کشف عورت به عنوان مقدمه تلقیح مصنوعی تنها زمانی مورد قبول خواهد بود که این امر در مقابل اجنبی صورت پذیرد و الا در زمانی که طیب خود زوج باشد، دلیل اقامه شده مؤثر در مقام نخواهد بود. علاوه بر آن، نقش ضرورت در رفع حکم اولیه تحریم در چنین مواردی را نباید از نظر دور داشت.

۲-۱-۲-۲- ادله مؤید جواز

موافقان مشروع بودن تلقیح مصنوعی، پس از طرد دلایل و توجیهاات مخالفان، ادله ذیل را در تأیید نظرات خود اقامه می‌نمایند:

الف. قرآن. محل استشهاد به قرآن در خصوص مورد در دو موضع می‌باشد.

نخست. آیه‌ی ۲۲۳ سوره بقره: «نسانکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم»

محل استدلال به این آیه عبارت «انی شئتم» می‌باشد. مفسرین در خصوص معنای کلمه انی نظرات مختلفی را بیان داشته‌اند.

برخی آن را در معنای مکان، برخی در معنای زمان و برخی نیز در معنای کیفیت و چگونگی بکار گرفته‌اند. چنانچه انی را همچون برخی مفسران نظیر طبری در معنای کیفیت بکار بریم معنای آیه اینگونه می‌شود که زنان شما کشتزارهای شما را پس به هر کیفیتی که می‌خواهید به کشتزار خود وارد شوید. از جمله کیفیات ورود به کشتزار جهت پاشیدن بذر می‌تواند تلقیح مصنوعی باشد.

دوم. آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره مؤمنون: «والذین هم لفروجهم حافظون* الا علی ازواجهم او ماملکت

ایمانهم فانهم غیر ملومین* فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون»

خداوند متعال در این آیات حفظ فروج را از نشانه‌های مؤمنان دانسته و البته تلذذ جنسی از همسر و ملک یمین را از آن مستثناء نموده است. تجاوز از استثناء مذکور، موجب حرمت می‌باشد. تلقیح مصنوعی در معنای تزریق اسپرم مرد به تخمک زوجه هیچگاه تجاوز از حد مذکور به شمار نیامده و از اینرو داخل در حکم حرمت قرار نخواهد گرفت.

ب. حکم عقل

ناباروری یکی از امراض شایع در زمان کنونی است. مرضی که پیش از این بواسطه عدم پیشرفت علمی بلاعلاج باقی می‌ماند و زوجین به تقدیر الهی در این خصوص رضا می‌دادند.

امروزه با پیشرفت علوم و شناخت انسان از سیستم باروری انسان و امکان رفع عیوب مانع لقاح، ناباروری به عنوان یکی از امراض قابل مداوا شناخته می‌شود و همچون سایر امراض نیازمند دخالت بشری در سیستم بدن از طریق استفاده از داروهای مؤثر و یا عملیات‌های طبی است. عقل سلیم حکم می‌کند که

جهت رفع محذور ناباروری بتوان به طرقي متوسل شد که درمان آن مؤثر بود و البته مغایر با نصوص شرعی و فرامین الهی نیز نباشد. تلقیح مصنوعی که نوعی درمان ناباروری است، واجد جنبه‌های درمانی و فاقد مقدمات غیر شرعی می‌باشد.

ج. مصلحت مرسله. به زعم موافقان، تلقیح مصنوعی از جمله مصالح مرسله‌ای است که با اهدافی همچون حفظ نسل در آمیخته و به فرض عدم وجود ادله مؤید جواز، تنها از همین حیث می‌توان حکم به جواز آن صادر نمود.

د. حکم فقها در دخول منی بدون ایلاج

قائلان به جواز تلقیح مصنوعی در ادامه توجیهات خود به آراء فقهایی از مذاهب اربعه اشاره می‌نمایند که طبق آن داخل نمودن منی زوج مثلاً بوسیله انگشت به مهبل زن در حکم دخول زوج به شمار آمده و فرزند حاصله را منتسب به زوجین خواهد نمود. به نظر ایشان، اگرچه تلقیح مصنوعی، امروزه به عنوان گونه‌ای از جراحی، عملاً مورد ممارست قرار گرفته و احکام آن مورد بررسی واقع می‌شود لکن علمای پیشین در مقام نظر، مباحثی نظیر این موضوع را بررسی و تحقیق نموده‌اند.

به عنوان مثال از مذهب حنفی، سیوانی در فتح القدیر به صراحت اعلام می‌دارد که: «مطلق الابلاج فی الآدمی یتناول ایلاج الذکر فی القبل و الدبر و ایلاج الاصبع» (السیواسی، بی‌تا، ۶۰) و بنابر قول کاسانی «و معنی الجماع هو ایلاج فاما الانزال ففراغ من الجماع فلا يعتبر و لو انزل فیما دون الفرج» (الکاسانی، ۱۹۸۲، ۱۰۰). از این دو قول چنین بدست می‌آید که اولاً جماع با ایلاج محقق می‌شود و ثانیاً ایلاج با انگشت در حکم ایلاج ذکر می‌باشد.

از مذهب مالکی، وسوقی در کتاب حاشیه خود می‌نویسد: «ان الخصی و المجهوب اذا كانا ینزلان المنی و فارقا زوجتیهما بعد خلوه وجبت العده و کذلک ان حصل لزوجتیهما حمل فان الحمل لا ینتفی عنهما الا باللعان» (الوسوقی، بی‌تا، ۴۶۸) و نیز عدوی می‌آورد: «لا یجوز لاحد نفی حمل زوجته الا اذا اعتمد علی امر قوی فلا یجوز ان یعتمد علی عزله ولا علی عدم مشابهته له ... و لا علی کونه کان یتوءها بین فخذیهما حیث کان ینزل» (العدوی، ۱۴۱۲، ۱۴۱). از این دو عبارت چنین برداشت می‌شود که داخل شدن منی، حکم وطی را داشته و احکام ایلاج بر آن مترتب می‌گردد.

از مذهب شافعی، شربینی در متعی می آورد: «ان الطلاق فی طهر حصل فیه وطی، یعتبر طلاقاً بدعیا و ذکروا: ان مثل الوطی فی ذلک استدخال المنی» (الشربینی، بی تا، ۳۷۳) به زعم سیوطی نیز: «لا فرق فی ابلاج بین ان یکون بخرقه او لا» (السیوطی، ۱۴۰۳، ۲۷۱).

از مذهب حنبلی نیز ابن قدامه در المغنی می نویسد: «ان المقطوع الذکر وحده- آی مع بقاء الانثیین- یلحقه الولد، قالوا لانه یمکن ان ینزل ماء یخلق منه الولد» (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۶۵).

از مجموع نظرات فوق چنین برداشت می شود که وارد نمودن منی زوج به داخل رحم زن، چه از طریق انگشتان و چه بصورت اتفاقی در حکم وطی می باشد. از اینرو به قطع می توان گفت که اخذ اسپرم از شوهر و قرار دادن آن با استفاده از ابزار خاص در رحم زن جهت تلقیح مصنوعی در حکم وطی به شمار می آید.

۲-۲- تلقیح مصنوعی اسپرم زوج متوفی با تخمک زوج

شیوه تحقق چنین فرضی بدین نحو است که زوج پیش از فوت، اسپرم خود را در بانک مخصوص ذخیره اسپرم به امانت می گذارد و همسر وی می تواند هر زمان که اراده کند مثلاً پس از فوت شوهر، اسپرم مزبور را با تخمک خود تلقیح و صاحب فرزند از شوهر متوفای خود گردد.

تفاوت این فرض با فرض گذشته، عدم حیات زوج در هنگام تلقیح در حالت کنونی است. استدلال‌های مربوط به حرمت یا جواز این عمل، مانند مورد قبلی می باشد با این تفاوت که در این جا سخن از جواز یا عدم جواز تلقیح اسپرم شوهر متوفی با تخمک زوجه در فرض جواز اصل تلقیح مصنوعی است. به دیگر سخن، تمام کلام در این است که آیا زوج پس از فوت همچنان به عنوان شوهر زوجه تلقی شده و نشر حرمت میان ایندو جاری است یا آنکه با فوت احد طرفین علقه زوجیت میان زوجین از بین خواهد رفت.

اگر قائل به وجود رابطه محرمیت باشیم، تزریق اسپرم به رحم زن بلامانع است و اگر قائل به قطع رابطه زناشویی و حرمت ناشی از آن باشیم، تلقیح مصنوعی در فرض مذکور تلقیح زن بوسیله اسپرم اجنبی است که قطعاً حرام خواهد بود.

فقه‌های اهل سنت در خصوص حکم این مسأله، اختلاف نظر دارند که منشاء آن نیز شک در بقاء زوجیت پس از فوت است. شیخ مصطفی زرقاء در خصوص این فرض می گوید: «ان هذه الصورة محتمله

الوقوف و من الواضح ان الاقدام علیها غیر جائز شرعا لان الزوجیه تنتهی بالوفات و عندئذ یکون التلقیح من غیر زوج فهی نطفه محرمه» (الزرقاء، ۱۹۸۶، ۲۰).

دکتر محمد علی البار در مقاله خود تحت عنوان تلقیح مصنوعی برهمین نظر بوده و معتقد است که در اسلام، فوت از موارد زوال علقه زوجیت به شمار می‌آید: «ففی الاسلام فان الموت یعتبر نهاییه عقد الزوجیه و لا یمکن آن یاخذ المنی هذا الزوج لتلقیح زوجته بعد وفاته» (علی البار، ۱۹۸۶، ۲۸۹).

دلیل این سخن نیز آشکار است: چنانچه علقه زوجیت پس از وفات شوهر همچنان برقرار باشد آنگاه علقه مزبور مانع از ازدواج مجدد همسر به‌شمار خواهد آمد. موردی که هیچ یک از فقها بر آن نظر نیستند. شاید به همین دلیل است که مجمع فقه اسلامی در هفتمین نشست سالانه خود اعلام داشت که حمل پس از فوت زوج یا طلاق موجب نفی نسب خواهد بود.

در مقابل عده ای از فقهاء با تمسک به حکم جواز غسل زوج توسط زوجه، بر این باورند که محرمیت میان زوجین حتی پس از فوت پا برجاست.

بجز فقهای مذهب حنفی، جمهور فقهاء در این قول اتفاق نظر داشته (الزحیلی، ۱۹۸۹، ۴۵۷) و دلیل ایشان روایتی نقل شده از عایشه می‌باشد که رسول خدا به وی فرمودند که اگر پیش از من بمیری ترا غسل کرده، کفن نموده و بر تو نماز خواهیم خواند (الدارمی، ۱۴۰۷، ۸۰).

و این فرمایش رسول خدا دلالت آشکار بر جواز مس بدن زوجه متوفی توسط زوج بدلیل وجود علقه زوجیت دارد. اما در پاسخ به این سؤال که وجود علقه مزبور مانع از نکاح بعدی زوجه می‌گردد، می‌توان گفت که این علقه لااقل تا پایان مدت عده که زن در طول این مدت حق نکاح با غیر را ندارد برقرار خواهد بود. فلذا شاید جمع دو نظر فوق، صحت تلقیح مصنوعی اسپرم زوج متوفی با تخمک زوجه تا پیش از اتمام عده وفات باشد.

۲-۳- تلقیح مصنوعی اسپرم زوج با تخمک زوجه پس از انقضای عده وفات یا طلاق

در خصوص این فرض، تمامی فقهاء بر حرمت این عمل بدلیل عدم وجود علقه زوجیت پس از انقضای عده وفات یا طلاق اتفاق نظر دارند و دلیل آن نیز امکان تجدید نکاح زوجه با اجنبی می‌باشد.

۳- تلقیح مصنوعی خارج رحمی

چنانچه گذشت در این فرض اسپرم مرد و تخمک زن جداگانه اخذ و طی عملیاتی در خارج از رحم، تلقیح و سپس در داخل رحم کشت می‌شود.

در خصوص جواز یا عدم جواز چنین عملی، در میان علمای اهل سنت همچون فرض پیشین اختلاف دیدگاه وجود دارد. با این حال عمده ادله و توجیهاات عدم جواز چنین عملی، مشابه با توجیهاات تلقیح مصنوعی داخل رحم است.

در مقابل، قائلان به جواز این عمل نیز بر همان توجیهاات خود در طرد ادله مخالفان و استدلال‌های موید جواز آن صحنه می‌گذرانند.

با این حال برخی از دسته اخیر، تنها حکم جواز را مشروط به وجود شرایط اضطرار دانسته و البته اضطرار مزبور را از حیث عدم وجود فرزند در زندگی زناشویی تعبیر می‌نمایند. به‌عنوان مثال مصطفی زرقاء، با وجود اینکه این عمل را ابتدا حرام می‌شمرد می‌گوید: «فلا تمارس الا فی اقصى درجات الاضطرار او الحاجه الشدید، حین لا یکون للزوجین ولد و الطیب ثقه».

البوتی نیز حکم جواز عملیات تلقیح مصنوعی در خارج از رحم را مشروط به دو شرط دانسته است: نخست آنکه متخصصان تضمین نمایند که در عمل، ضرر جسمی یا عقلی یا جانی به جنین پس از تولد وارد نیامده و ثانیاً این امر به اختلاط نسب نینجامد. گزاره‌ای که ادله رد آن پیش از این از نظر گذشت.

در نهایت مجمع فقه اسلامی در سومین نشست خود در سال ۱۴۰۷ هجری قمری پس از بحث و بررسی در این رابطه، اخذ اسپرم از مرد و تخمک از زن و تلقیح آن در خارج از رحم و سپس کشت آن در رحم زن صاحب تخمک را از لحاظ شرعی بلامانع عنوان نمود.

۴- نتیجه‌گیری

تلقیح مصنوعی عمدتاً به دو نوع تقسیم می‌شود: تلقیح مصنوعی داخل رحمی و تلقیح خارج رحمی. در خصوص تلقیح مصنوعی علمای اهل سنت نظرات مختلفی را بیان نموده‌اند.

برخی انجام این عمل را حرام، برخی جائز و برخی نیز مشروط به شرایطی مباح بر شمرده‌اند.

حتی از منظر کسانی که حکم به جواز این عمل صادر کرده‌اند، تلقیح تنها در صورتی جایز است که رابطه زناشویی میان صاحب اسپرم و تخمک وجود دارد و از این رو حتی برخی تلقیح اسپرم زوج متوفی به تخمک زوجه را محل اشکال دانسته‌اند.

البته باید در این خصوص به زمان تلقیح مزبور که آیا حین عده وفات یا طلاق صورت گرفته یا پس از انقضاء مدت مزبور می‌باشد توجهی عمیق داشت.

در مجموع به نظر می‌رسد ادله قائلان به جواز تلقیح مصنوعی از قوت و قدرت استدلال بالاتری برخوردار باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، (۱۴۰۵)، المغنی، دار الفکر، بیروت.
۳. التمیمی، رجب (۱۹۸۶)، المناقشه، مجمع الفقه الاسلامیه، مکه المکرمه.
۴. حمد الخلیلی، احمد، (۱۹۸۶)، المناقشه، مجمع الفقه الاسلامیه، مکه المکرمه.
۵. الدارمی، ابو محمد عبد الله، (۱۴۰۷)، سنن الدارمی، دار الکتب العربی، بیروت.
۶. الزحیلی، وهبه، (۱۹۸۹)، الفقه الاسلامی و ادلته، دار الفکر، دمشق.
۷. الزرقاء، مصطفی، (۱۹۸۶)، المناقشه، مجمع الفقه الاسلامیه، مکه المکرمه.
۸. السیواسی، الکیمال بن الهمام، (بی تا)، فتح القدر فی شرح الهدایه، دار الکتب الفکر، بیروت.
۹. السیوطی، عبد الرحمن، (۱۴۰۳)، الاشباه و النظائر، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۱۰. الشربینی، محمد الخطیب، (بی تا)، مغنی المحتاج، دار الفکر، بیروت.
۱۱. الصابونی، محمد، (۱۹۹۲)، صفوه التفاسیر، مکتبه الغزالی، دمشق.
۱۲. هرموش، محمود عبود، (۱۹۹۴)، غایه المامول فی توضیح الفروع للاصول، مکتبه البحوث الثقافیه، لبنان.
۱۳. علی البار، محمد، (۱۹۸۶)، التلقیح الصناعی و اطفال الانابیب، مجمع الفقه الاسلامیه، مکه المکرمه.
۱۴. الکیسانی، علاء الدین، (۱۹۸۲)، بدائع الصنائع، دار الکتب العربی، بیروت.
۱۵. مجمع الفقهی، (۱۴۰۷)، القرارات، الدور الثانیه، مجمع الفقه الاسلامیه، مکه المکرمه.
۱۶. الشریف، محمد، (۱۹۸۶)، المناقشه، مجمع الفقه الاسلامیه، مکه المکرمه.

۱۷. محمود حمزه، محمد، (۱۴۲۸)، اجاره الارحام بین الطب و الشریعه الاسلامیه، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۱۸. الدسوقی، محمد، (بی‌تا)، حاشیه الدسوقی، دار الفکر، بیروت.
۱۹. بخاری، محمد بن اسمعیل، (۱۴۰۷)، صحیح البخاری، دار ابن کثیر، بیروت.